

A Forensic Linguistics Perspective on Religious Allusions in Courtroom Discourse

Farangis Abbāsẓādeh 

Ph.D. in Linguistics, Department of ELT,
Abadan Branch, Islamic Azad University,
Abadan, Iran

Bahman Gorjiān *

Associate Professor, Department of ELT,
Abadan Branch, Islamic Azad University,
Abadan, Iran

Abstract

Allusion is a discursive tool which operates on the semantic congruity of words and plays a crucial role in advancing the speaker's objectives. This study delves into the discursive significance of "religious allusions" in the context of courtroom interaction between judges and defendants from a forensic linguistics perspective, drawing insights from McMenamin's framework. Employing a descriptive-analytical research approach, this study examined a corpus consisting of 50 video clips featuring courtroom proceedings from Iranian TV programs and documentaries. The findings revealed that religious allusions are commonly employed in these legal settings. Furthermore, the findings highlighted notable difference in the usage of religious allusions between judges and defendants. Judges predominantly draw upon Quranic and hadith allusions, whereas defendants tend to rely on historical, narrative, and folklore references, reflecting their distinctive perspectives and cultural backgrounds. The implications of this investigation suggest that legal professionals would benefit from educational workshops to enhance their understanding of this linguistic phenomenon, ultimately fostering smoother court proceedings.

Keywords: Allusion, Courtroom discourse, Forensic linguistics, Religious allusions, McMenamin's framework.

* Corresponding Author: bahman.gorjian@iau.ac.ir

How to Cite: Abbāsẓādeh, F., Gorjiān, B. (2024). A Forensic Linguistics Perspective on Religious Allusions in Courtroom Discourse. *Literary Language Research Journal*, 1(3), 121-148. doi: 10.22054/JRLL.2024.76076.1054



تحلیل تلمیحات مذهبی در گفتمان دادگاه از دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی

دانش‌آموخته دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان،
آبادان، ایران

فرنگیس عباس‌زاده

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، آبادان، ایران

بهمن گرجیان *

چکیده

تلمیح ابزاری گفتمانی و کاربردی‌ست که بر پایه تناسب‌های معنایی واژه‌ها شکل گرفته و کلام گوینده را تقویت می‌نماید. در این مقاله نقش گفتمانی «تلمیح مذهبی» در مکالمات قضات و متهمان در دادگاه از دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی بر اساس نظریه مک‌منامین بررسی شده است. بدین منظور با تحقیقی توصیفی-تحلیلی، پنجاه صحنه تصویری از جریان دادرسی در دادگاه‌های پخش شده از صداوسیما، و برنامه‌های مستند مشاهده، و یادداشت‌برداری شد. داده‌ها جمع‌آوری، و به صورت توصیفی تجزیه و تحلیل گردید. نتایج حاکی از آن بود که تلمیح مذهبی از رایج‌ترین انواع گفتمان در دادگاه‌هاست که قضات و متهمان یکسان از آن استفاده نمی‌کنند. هم‌چنین نتایج نشان داد که تفاوت معناداری میان قضات و متهمان از نظر کاربرد تلمیح مذهبی وجود دارد. قضات بیشتر از تلمیحات قرآنی و حدیثی؛ و متهمان بیشتر از تلمیحات تاریخی، داستانی، أمثال و مثل‌های عامیانه استفاده می‌کنند که بیان‌کننده بازتاب وضعیت فرهنگی آن‌ها در شرایط مختلف، و ذهنیت متفاوت افراد است. نتایج این پژوهش را می‌توان در تربیت قضات و وکلا، یا در کارگاه‌های آموزش حقوقی به کار گرفت که در روند دادرسی مؤثر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تلمیح، گفتمان قرآنی، زبان‌شناسی حقوقی، چارچوب مک‌منامین.

۱. مقدمه

تلمیح^۱ که در لغت مصدر باب تفعیل از ریشه «لمح» به معنی اشاره کردن با گوشه چشم^۲، آشکار ساختن و به چیزی نگریستن است (اعلا، ۱۳۸۹: ۵۸)؛ در اصطلاح علم بدیع^۳ عبارت است از اینکه گوینده یا نویسنده ضمن کلام خود به قصه و داستان، آیه و حدیث، واقعه، شرح حال مشخص، مَثَل و شعری مشهور اشاره کند (وحیدیان، ۱۳۸۳: ۶۷) بدون آنکه آن‌ها را مستقیم و کامل ذکر کند (گرکانی، ۱۳۶۳: ۲۵۹).

مذهب و دین از جمله پدیده‌های انسانی است که بیشترین وابستگی را به زبان دارد. مردم برای نیایش، بیان اعتقادات، و تبلیغات دینی از زبان بهره می‌برند. عوامل دینی و قرآنی بر دگرگونی زبان از طریق ورود کلمات و مفاهیم جدید به زبان، و تعیین موقعیت اجتماعی آن زبان تأثیر داشته‌اند. تلمیحات مذهبی در گفتمان دادگاه‌ها هم به نقش معنوی قاضی در استیفای حق اشاره دارند، و هم جایگاه قرآن کریم را به‌عنوان منبعی غنی از معارف اسلامی معرفی می‌نمایند. این تلمیحات ممکن است به صورت پند، مَثَل، قصه یا عبارتی فارسی از سوی قاضی یا متهم بیان شوند ولی ریشه در آیات قرآن و احادیث دارند.

بررسی نقش تلمیح در گفتمان‌های جوامع اسلامی و دین‌محور^۴ می‌تواند به درک متقابل افراد آن جامعه از یکدیگر کمک کند. درک و شناخت آیات قرآن با توجه به موقعیت زمانی و مکانی مکالمه ارتباطی کارآمد میان نویسنده و خواننده، یا گوینده و شنونده ایجاد می‌کند.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود ضمن بسامدگیری از تلمیحات مذهبی، نقش آن از دیدگاه منظورشناختی مفاهیم قرآنی در گفتمان قضات و متهمان بررسی شود. با بررسی نقش تلمیح در گفتمان قضات و متهمان می‌توان میزان توانایی آن‌ها را در چگونگی به‌کارگیری تلمیح با اشاره به وقایع مذهبی تحلیل نمود.

-
1. allusion
 2. indicating
 3. rethoric
 4. religion-oriented societies

۲. بیان مسئله

۱.۲. تلمیح

صنعت تلمیح از شیوه‌های تصویرسازی در انتقال معناست و مانند پلی میان حال و گذشته ارتباط برقرار می‌کند. لزوم دریافت مفهوم متن دارای ساختار تلمیح این است که مخاطب از قبل با اصل داستان، افسانه یا حدیث آشنایی کافی داشته باشد. سیما داد تلمیح را کلامی در خلال سخن می‌داند که به آیه‌ای شریف، حدیثی معروف، واقعه، مثل و شعری چنان اشاره شود که کلام با الفاظی اندک بر معانی بسیار دلالت کند (۱۳۸۵: ۱۲۳). به کلامی دیگر بهره‌گیری از نقل قول‌ها، آیات، احادیث، داستان‌ها و وقایع تاریخی است و یا اینکه مخاطب با شنیدن بیت یا عبارتی به یاد داستان و افسانه‌ای، رویداد تاریخی و قرآنی، یا آیه و حدیثی بیفتد بدون آنکه آن موضوع و داستان کامل تعریف شده باشد. هر گاه خواندن شعری باعث شود به‌طور غیرمستقیم داستانی، واقعه‌ای تاریخی، آیه یا حدیثی، و یا سخن مشهوری به ذهن تداعی گردد، آرایه تلمیح به کار رفته است. این تداعی باعث تلطیف کلام می‌شود. در این صنعت به کمک «تداعی» بیشترین احساسات و عواطف با کمترین کلمات بیان می‌شود و بر جلوه‌های هنر زبانی، و تأثیر گذاری کلام در فضایی وسیع‌تر می‌افزاید و ساختار اثر را قوت می‌بخشد. ارزش تلمیح به میزان تداعی آن بستگی دارد که از لایه‌های معنایی آن اخذ می‌گردد. هر قدر اسطوره‌ها و داستان‌های مورد اشاره لطیف‌تر باشد، تلمیح بلوغ‌تر محسوب می‌شود.

ساختار زبان قرآن مبتنی بر ساخت بافت‌های بیانی^۱ است که این ساخت‌ها حقیقت زبانی تازه‌ای را بازسازی می‌کنند، به گونه‌ای که ریشه این سازه و سازنده به پویایی حقیقت ارجاعات باز گردد.

تفاوت تلمیح با صنعت تضمین در این است که در تلمیح آن آیه یا حدیث به وضوح و به‌طور کامل و دقیق بیان نمی‌شود، بلکه فقط یک یا چند واژه مشخص مرتبط با موضوع

1. locutionary act

ذکر می‌گردد؛ اما در تضمین باید حتماً بخش یا کامل آیه یا حدیث نقل شود.^۱ در این پژوهش اشاره به مضمون آیه یا حدیث در گفتمان مدنظر است نه نقل کامل و مستقیم آن. برای مثال اگر قاضی به متهمی که از راه نامشروع کسب مال کرده، آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست» (نجم: ۳۹) را تلاوت کند، صرفاً تضمین آورده، ولی اگر اشاره به مضمون آیه باشد حتی به صورت ضرب‌المثل مانند «هر کس زور بازوی خودش را می‌خورد» یا اشاره به بیتی از شعر سعدی باشد: «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود / مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد» از تلمیح بهره برده است.

شمیسا تلمیحات را با توجه به خاستگاه و منشأ تاریخی آن به چهار دسته تقسیم می‌کند: (۱) تلمیحات اسلامی (در تحقیق حاضر قرآنی) که مربوط به فرهنگ اسلامی است؛ (۲) تلمیحات ایرانی/آریایی که سرچشمه آن‌ها فرهنگ ایران پیش از اسلام است؛ (۳) تلمیحات سامی که شامل دوران اسلامی و عربی می‌شود که دومی مربوط به فرهنگ دوره عرب جاهلی است؛ (۴) تلمیحات یونانی و هندی که مربوط به رجال علم مانند بلیناس و هرمس است (۱۳۷۵: ۱۷).

گاه تلمیح با ترجمه، تضمین و ضرب‌المثل تناسب دارد و گاه کاملاً برگرفته از احادیث و آیات قرآن است. برای مثال شهریار در بیت زیر تلمیحی به ماجرای یتیم‌نوازی علی^(ع) می‌کند:

ناشناسی که به تاریکی شب می‌برد شام یتیمان عرب
(شهریار، ۱۳۸۲: ۶۱۶)

تلمیحات قرآنی به‌وفور در اشعار دیده می‌شوند. برای مثال بیت زیر به آیه «و لا تنزر وازرة و زر اخری» (انعام: ۱۶۴) تلمیح دارد:

۱. صنعتی که در اینجا با نام «تضمین» معرفی می‌شود، در منابع بدیعی با نام «اقتباس» شهرت دارد که به دو دسته «حَلّ» و «دَرَج» تقسیم می‌شود. صنعت دَرَج آن است که عین آیه یا حدیثی در متن ادبی ذکر شود، و صنعت حَلّ آن است که مضمون آن آیه یا حدیث بیان گردد (نک: هدایت، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۹؛ صادقیان، ۱۳۷۸: ۱۵۴؛ محبتی، ۱۳۸۰: ۸۹؛ احمدنژاد، ۱۳۹۵: ۵۵؛ و منابع دیگر) (ویراستار).

عیب‌رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت / که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
(حافظ، غزل ۸۰)

و یا تلمیح به آیه «قلنا یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم» (انبیا: ۶۹) در بیت زیر:
یارب این آتش که بر جان من است / سرد کن زآن‌سان که کردی بر خلیل
(حافظ، غزل ۳۰۹۸)

از نمونه‌های تلمیح به ضرب‌المثل: «هر چه بکاری، درو می‌کنی» یا «از این دست که بدی، از آن دست پس می‌گیری» است که به بازگشت نتیجه کار انسان به خودش اشاره دارد. همین مفهوم در قرآن چنین آمده است: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷ و ۸).

سیدمحسن طباطبائی اعتقاد دارد که عالمان فن بلاغت، تلمیح را در مجموعه صنایع معنوی بدیع قرار داده‌اند و برخی آن را مترادف و بعضی قسمی از تضمین می‌دانند (۱۳۹۴: ۱۱۳).

۲.۲. معیارهای گفتمانی مک‌منامین

چارچوب نظری معیارهای گفتمانی تجویزی^۲، توصیفی^۳ و آماری^۴ مک‌منامین^۵ (۲۰۰۲):

۱. چنین تعریفی از «تضمین» در سال‌های اخیر به کتاب‌ها و منابع بدیعی وارد شده است که آن را صنعتی می‌دانند که شاعر یا نویسنده آیه، حدیث، یا ضرب‌المثلی را ضمن متن ادبی خود بیاورد. به نظر می‌رسد منشأ ورود این تعریف، کتاب‌های دبیرستانی در دو دهه اخیر باشد. در منابع قبل از قرن ۱۴ قمری «تضمین» به صنعتی گفته می‌شود که شاعر مصراع یا بیتی و یا بیشتر از شاعری دیگر را در کلام خود درج کند با اشعار به اینکه از آن بیت یا مصراع از شاعری دیگر است مگر اینکه مشهور باشد (نک: تقوی، ۱۳۶۳: ۳۲۵). عطاءالله حسینی (۹ ق) به دو گونه تضمین اسناد و تضمین مزدوج اشاره دارد و درباره اختلاف میان اقتباس و تضمین توضیح می‌دهد (۱۳۸۴: ۱۸۴ و ۲۸۳ - ۲۸۸). (ویراستار)

2. prescriptive norm

3. descriptive norm

4. quantitative norm

5. McMenamin

(۱۷) «سبک» را عنصر متغیر رفتار فرد می‌داند که در نتیجه تغییر زبانی رخ می‌دهد و با گزینش واژگان نشاندار می‌شود. سبک‌های رفتاری مثل انتخاب‌های فردی ابتدا آگاهانه و سپس به دلیل کثرت تکرار ناآگاهانه می‌شوند. سبک در گفتار در نتیجه دو نوع تغییر شکل می‌گیرد: (۱) تغییر در کلام معیار؛ و (۲) انحراف از آن.

تجزیه و تحلیل آماری کلام معیار را به لحاظ بسامد وقوع آن ارزیابی می‌کند. معیار گفتمانی به دو دسته تقسیم می‌شود: (۱) معیار توصیفی که دانش و معلومات اهل زبان از نظر صورت و نقش صحیح دستوری بررسی می‌شود؛ (۲) معیار تجویزی که به چگونگی کاربرد زبان به شکل درست و کارآمد ارتباط دارد و متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی گویشوران تغییر می‌کند. ویژگی‌های متمایزکننده افراد در نوشتار شامل شکل، رعایت علائم سجاوندی، واژگان، و ساختار دستوری می‌شود؛ و در گفتار متغیرهایی چون سن، جنسیت، انگیزه، ایدئولوژی، مذهب، قومیت، سطح تحصیلات، درآمد و عوامل جغرافیایی را شامل می‌شود. هیچ دو عضو جامعه گفتاری نمی‌توانند از یک صورت زبانی مشترک استفاده کنند و هیچ فردی هم نمی‌تواند دو نوع متغیر از یک صورت زبانی را یکسان به کار ببرد.

«تغییر زبانی» روش گفتن و نوشتن یک چیز به طرق مختلف است. نکات دستوری زبان معیار مشمول تغییر نمی‌شوند. درک تغییر زبانی و تأثیر آن بر هویت و کاربرد آن در سبک‌شناسی، امر مهمی است. مک‌منامین (۲۰۰۲: ۳۰۶) معتقد است که تغییر زبانی بخشی از نظام درونی شده زبان در هر جامعه است که «توانش» نام دارد. گفتار و کاربرد نظام زیربنایی زبان توسط فرد «کنش» نام دارد که منعکس‌کننده توانش اوست. «تغییر سبکی» نوعی معیار اختیاری در زبان گویشوران است که تحت تأثیر اهداف ارتباطی آنان و عوامل درونی و بیرونی است.

مک‌منامین سه نمونه از الگوها یا هنجارهای گفتمانی را با ذکر مثال معرفی کرده است. سه دسته‌بندی ساختارهای تجویزی، توصیفی، و آماری به سه زیرشاخه الگوی معیار یا کلام قابل قبول، الگوی معیار تغییر یافته، و الگوی انحراف از معیار تقسیم می‌شود. دو

زیرشاخه اول از لحاظ زبان معیار و عامه مردم مورد قبول است، ولی زیرشاخه سوم کمتر پذیرفته می‌شود و نوعی انحراف از زبان معیار تلقی می‌گردد. اگر گفتمان تا اندازه‌ای تغییر کند که هم‌چنان مورد پذیرش توده جامعه باشد «تغییر در کلام معیار» نامیده شده؛ ولی اگر تغییر به حدی بود که اکثریت جامعه زبانی آن را قبول نداشته باشند و آن تغییر فردی یا گروهی باشد، انحراف از کلام معیار تلقی می‌گردد.

از نظر فاب^۱ (۱۹۹۷: ۳۶) با ایجاد کنش کلامی می‌توان هرگونه عملکرد ارتباطی با دامنه گسترده را ایجاد کرد. دیدگاه‌های ارتباطی و کاربردشناختی علاوه بر توجه به جنبه‌های ادبی^۲ قرآن به حوزه‌های کلامی^۳ و گفتمانی در بافت موقعیتی نیز می‌پردازد. او معتقد است که در ارتباط متقابل گوینده باید ارزش معانی را به‌خوبی بداند، و میان آن و قدر و مرتبه شنوندگان توازن ایجاد کند. در ضمن برای هر طبقه از شنوندگان مقام و جایگاهی خاص در نظر بگیرد، جایگاه لفظ را با معنا مطابقت دهد، و معنا را متناسب با مخاطب در نظر بگیرد.

در جستار حاضر کاربرد تلمیحی آیات قرآن کریم و مضامین قرآنی در ساختارهای تجویزی، توصیفی، و آماری بنا به نظر مک‌منامین بررسی شده است. پرسش‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. بسامد کاربرد تلمیحات قرآنی در ساختارهای تجویزی، توصیفی، و آماری در گفتمان قضات و متهمان چقدر است؟
۲. تفاوت تلمیحات قرآنی با استفاده از ساختارهای تجویزی، توصیفی و آماری در گفتمان میان قضات و متهمان به چه میزان است؟

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه معناشناختی قرآن کریم تحقیقات متعددی صورت گرفته ولی در پژوهش‌های

1. Fabb

2. literary aspect

3. verbal domain

اندکی به «تأثیر آرایه ادبی تلمیح در انتقال توان کاربردشناختی در گفتمان و مکالمات میان قاضی و متهم» پرداخته شده است.

طباطبائی (۱۳۹۴) تلمیحات قرآنی را در خطبه اول نهج البلاغه بررسی نمود تا مشخص شود تجلی نور خداوند در وجود معصومین^(ع) چگونه زندگی و سخنان آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. وی رئوس تلمیحات در نهج البلاغه را در ۹ طبقه دسته‌بندی کرده است: (۱) توحید: ذاتی، صفاتی، فاعلی، ربوبی و خالقیت؛ (۲) وظیفه انسان: معرفت، اخلاص و شکرگذاری؛ (۳) آفرینش: بادها، کوه‌ها، کهکشان‌ها، زوجیت، جاذبه، ماه و خورشید، سقف فلک؛ (۴) ملائکه: آفرینش، سجده بر انسان و تمرد شیطان؛ (۵) آدم: مراحل آفرینش، کرامت انسان، تخلف، آغاز نسل بشر؛ (۶) نبوت عامه: ضرورت، تاریخچه و اهداف؛ (۷) نبوت خاصه: صفات نبی اکرم^(ص)؛ (۸) شرایط محیطی؛ (۹) مردم.

نیل‌ساز و اهواری (۱۳۹۲) با نگاهی ادبی استشهادهای غیرمستقیم ائمه به قرآن را بررسی کرده‌اند و این استشهادها را از منظر آرایه‌های بدیعی به چهار دسته: (۱) واژگانی؛ (۲) گزاره‌ای؛ (۳) الهامی؛ و (۴) تلمیحی تقسیم کرده‌اند. اقتباس واژگانی استشهادی است که اهل بیت^(ع) واژه یا ترکیبی از قرآن را در کلام خویش آورده باشد. این تأثیرپذیری به دو شیوه اقتباس لفظ و مفهوم صورت می‌پذیرد. منظور از اقتباس لفظ استفاده از واژگان و ترکیبات قرآنی بدون تغییر یا اندکی تغییر است. در اقتباس مفهوم، علاوه بر اینکه واژه‌ها یا ترکیب‌هایی بی تغییر یا اندک تغییر از قرآن گرفته شده‌اند، واژه و ترکیب‌هایی نیز وجود دارند که حاوی مفهوم قرآنی هستند. استشهادهای غیرمستقیم ائمه از قرآن به دو گونه تقسیم می‌شود: (۱) تضمین: عبارات قرآنی بدون هیچ تغییر و دگرگونی در کلام به کار رفته باشند مانند سخن امام حسن مجتبی^(ع) در خطبه‌ای که بعد از صلح با معاویه در جمع مردم خواندند و در آن به علت صلح با معاویه اشاره نمودند؛ (ب) حل یا تحلیل: الفاظ آیه از قالب خویش جدا گردند و متناسب با فحوای کلام به کار روند.

در استشهاد الهامی اهل بیت پیامبر^(ع) مایه سخن را از آیه الهام گرفته و سخن خویش را بر آن نکته مبتنی می‌کردند به گونه‌ای که آشنایان با قرآن آن را در پیوند با آیه می‌دیدند. کلام در اثرپذیری تلمیحی مانند اثرپذیری الهامی بر پایه نکته‌ای قرآنی قرار دارد

با این تفاوت که این سخن با نشانه و اشاره‌ای همراه است. نیل‌ساز و اهوراکی نتیجه می‌گیرند که استشهاد مستقیم اهل بیت^(ع) به قرآن موجب می‌شود هر شنونده‌ای آن را درک کند ولی استشهاد غیرمستقیم را فقط آشنایان با قرآن متوجه می‌شدند.

اعلاء (۱۳۸۹) به تلمیحات از منظر دیگری می‌نگرد و آن را بر ۶ نوع می‌داند: (۱) تلمیحات اسطوره‌ای با منشأ اساطیر کهن بشری؛ (۲) تلمیحات تاریخی؛ (۳) تلمیحات دینی و مذهبی؛ (۴) تلمیحات ادبی که به حوادث و شخصیت‌های ادبی اشاره دارند در آثار ادبی می‌آیند؛ (۵) تلمیحات فولکلوریک که از افسانه‌های عامیانه و فرهنگ عامه نشئت می‌گیرند؛ (۶) تلمیحات متأثر از عوامل گوناگون مانند ارتباطات فرهنگی میان اقوام و ملل مختلف، تأثیرات متقابل فرهنگ‌ها بر یکدیگر، و وقایع اجتماعی و سیاسی.

شوشتری (۱۳۹۳) تلمیحات به قصه قرآنی نوح را در مثنوی مولوی بررسی نمود و دریافت که مولانا برای بیان مقاصد عرفانی خود از رمزها و نمادها استفاده می‌کند. او از این تلمیح قرآنی به صورتی خلاقانه بهره برده است تا نتیجه‌ای عرفانی و تربیتی بگیرد.

بهنام‌فر و طلایی (۱۳۹۴) پژوهشی درباره ترکیبات تصویری تلمیحی ملهم از آیات، احادیث و اساطیر در قصاید خاقانی به شیوه تحلیل محتوا انجام داده‌اند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که خاقانی در تصویرسازی از عناصر اساطیری و دینی برای توصیف مشبه و مبالغه در آن استفاده می‌کند. بهره‌گیری خاقانی از قرآن و احادیث به دو صورت لفظی و معنایی است که بهره‌گیری معنایی بیشتر به چشم می‌خورد و تعداد زیادی از این اقتباسات برای خلق مضمون نو و تازه است. گاه الفاظ، تعبیرات، یا بخشی از آیات و احادیث را می‌آورد و گاه مفاهیم آن‌ها را در شعر خود می‌گنجانند. او بیشتر از قرآن بهره گرفته تا احادیث؛ و این بهره‌گیری اغلب به شکل تلمیح یا اقتباس کلمات، ترکیبات و تعبیرات و یا بخشی از آیه است.

قانونی (۱۳۹۷) مطالعه‌ای درباره تلمیح و انواع آن در بوستان سعدی انجام داده است. در شعر سعدی تلمیح به ۵ مورد بوده است: (۱) مرکزی؛ (۲) آیات قرآن؛ (۳) به احادیث؛ (۴) شخصیت‌های اساطیری؛ و (۵) داستان پیامبران. سعدی در طرح فلسفه اخلاق خویش قرآن را نصب‌العین قرار داده و از آیات آن در مدح و ستایش خداوند، آموزش نکات

اخلاقی اسلامی، کارگرفت در امور زندگی برده است. او آموزه‌های قرآن را در آفرینش فضای اشعار و حکایت‌ها به کار می‌گیرد. نوع جمله‌بندی، واژگان، تمایل به سجع و فاصله، حتی آهنگ جملات وی رویکردی قرآنی دارد. سعدی به داستان‌های پیامبران واقف است و آن را از قرآن و دیگر منابع کسب کرده است و در موارد متعدد از آیات قرآن و احادیث معصومان الهام گرفته و گفتار خود را زیباتر نموده است. توجه او به قرآن، به نوعی بهره‌گیری از حکمت شرعی و نبوی‌ست.

۳. روش اجرای پژوهش

داده‌های این تحقیق توصیفی-تحلیلی از برنامه‌های ۲۰:۳۰ و مستندهای صدا و سیما استخراج شد. جامعه آماری ۵۰ فایل ده دقیقه‌ای دادرسی دادگاه‌های کیفری بود که از نمونه‌های در دسترس انتخاب شد. مدت زمان مکالمه‌ها ۵۰۰ دقیقه بود. تعداد کلمات با شمارش گر محاسبه گردید. پس از نگارش متن دادرسی و تقسیم‌بندی نوع داده‌ها بر اساس جدول ۱، صحت نگارش و دسته‌بندی داده‌ها طبق الگوی تجویزی، توصیفی و آماری در به کارگیری تلمیح در گفتمان قرآنی قضات و متهمان با اقتباس از چهارچوب نظری مک‌منامین توسط دو زبان‌شناس بررسی شد. همبستگی دو بررسی به میزان ۹۵ درصد بود که نشان می‌داد دسته‌بندی داده‌ها پایایی قابل قبولی دارد.

در جمع‌آوری داده‌ها عبارات، مثل‌ها، احادیث، و سخنانی که تلمیح و ریشه قرآنی داشت مدنظر قرار گرفت. درصد الگوی معیار در کلام قضات و متهمان بر اساس چهارچوب فوق و مشاهدات دادرسی تعیین گردید. برای درک بهتر این سه نمونه الگوی زبانی با مثال در جدول ۱ می‌آید.

جدول ۱. آرایه تلمیح در گفتمان قرآنی با اقتباس از نظریه مک‌منامین

نوع الگوها ^۱ ساختار زبان‌شناسی ^۲	درصد الگوی معیار ^۳ گفتمان در بیان تلمیح مذهبی	درصد تغییر در الگوی معیار ^۴ گفتمان با آوردن نوعی تلمیح مذهبی	درصد انحراف از الگوی معیار ^۵ تلمیح غیرمصطلح در محیط دادگاه
تجویزی	«ولا تزر وازره وزر اخری» (انعام: ۱۶۴)	گناه هر کس به عهده خودشه!	هر کی خربوزه می‌خوره باید پای لرزش هم بشینه!
توصیفی: تنوع زبانی با استفاده از گفتمان مذهبی	پیامبر اکرم (ص): أعط الأجير أجره قبل أن يجف عرقه. (قضاعی، ۱۳۸۳: ۲۷)	مزد کارگر را پیش از آنکه عرق بدنش خشک شود به او پرداز.	پول کارگر رو سگ‌خور کردی!
آماری: درصد مورد انتظار (در موقعیت دادگاه) در مقایسه با درصد مشاهده شده	«یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا (نور: ۲۷) (۱۵ درصد مورد انتظار)	ورود به منازل دیگران، بدون اجازه صاحب‌خانه حرام است. (۸۰ درصد مورد انتظار)	مثل حیوان وارد خونه مردم شدی! (۵ درصد مورد انتظار)

مک‌منامین الگوهای کلامی در دادگاه کیفری را در سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: (۱) معیار تجویزی که دو مشخصه زبان‌شناسی دارد؛ یک) گفتمان باید مورد قبول عامه مردم باشد یعنی در جامعه رواج داشته و از لحاظ دستوری صحیح^۶ باشد. دو) به لحاظ اجتماعی قابل قبول^۷ عامه مردم باشد. (۲) معیار توصیفی که چهار مشخصه دارد: یک) تنوع در گفتار مانند انتخاب نوع گویش؛ دو) تنوع زبانی^۸؛ سه) طبقه اجتماعی؛ چهار) عامل موقعیتی^۹. (۳) الگوی آماری که دو مشخصه دارد: یکی بسامد الگوی کلامی یعنی با چه بسامدی استفاده

1. types of norms
2. linguistic structures
3. standard norm
4. variation within the norm
5. deviation from the norm
6. grammatically correct
7. socially appropriate
8. choice of variety
9. situational factor

می‌شود^۱ مثلاً اصطلاح «دعوا» که به موضوع پرونده اطلاق می‌گردد؛ و دوم اینکه در چه مکان خاصی بسامد دارد^۲ مثلاً عبارت «جناب قاضی» و کاربرد آن زمانی است که متهم مقابل قاضی قرار می‌گیرد.

۴. یافته‌های پژوهش

بر اساس چارچوب نظری مک‌منامین متغیرهای الگوهای تجویزی (ساختار صحیح دستوری و تجویزی پذیرفته شده در جامعه)، توصیفی (تنوع زبانی مورد استفاده در بافت موقعیتی دادگاه)، و آماری (درصد به کارگیری آرایه‌ها در مقایسه با درصد معیار) بررسی شدند. پیکره تحقیق محدود به متغیرهای ذکر شده در گفتمان قضات و متهمان است که بسامد آن‌ها در جدول ۲ آمده است. آرایه‌ها از میان ۷۰۲۴۵ کلمه قضات و ۶۸۲۱۸ کلمه متهمان استخراج شد. تعداد کلمات در حدی که آمار همگن باشد رعایت شد.

جدول ۲. بسامد آرایه تلمیح در گفتمان قضات با اقتباس از نظریه مک‌منامین

نوع الگوها	درصد الگوی معیار گفتمان در بیان تلمیح مذهبی	درصد تغییر در الگوی معیار گفتمان با آوردن نوعی تلمیح مذهبی	درصد انحراف از الگوی معیار تلمیح غیرمصطلح در محیط دادگاه
ساختارهای زبان‌شناسی			
تجویزی	۳۴۱ (درصد ۴۲/۳۰)	۴۰۰ (درصد ۴۹/۶۴)	۶۵ (درصد ۸/۰۶)
توصیفی تنوع زبانی با استفاده از گفتمان مذهبی	۳۹۲ (درصد ۳۰/۵۳)	۷۷۸ (درصد ۶۰/۵۹)	۱۱۴ (درصد ۸/۸۸)
آماري درصد مورد انتظار (در موقعیت دادگاه) در مقایسه با درصد مشاهده شده	۱۰ درصد مشاهده شده ۱۵ درصد مورد انتظار	۷۴ درصد مشاهده شده ۸۰ درصد مورد انتظار	۱۶ درصد مشاهده شده ۵ درصد مورد انتظار

1. how often forms are used
2. in a defined social context

جدول ۲ نشان می‌دهد که قضات در ۳۴۱ مورد (۴۲/۳۰ درصد) طبق الگوی معیار مستقیماً از آیات قرآن؛ در ۴۰۰ مورد (۴۹/۶۴ درصد) از ترجمه فارسی آیات قرآن با تغییر در الگوی معیار طبق الگوی تجویزی؛ و در ۶۵ مورد (۸/۰۶ درصد) با انحراف از الگوی معیار (استفاده مستقیم از آیات) از ساختار تجویزی بهره برده‌اند. این بسامد نشان می‌دهد که تأثیرپذیری از هنجار تجویزی با ساختار دستوری درست بوده است. به عبارت دیگر قضات سعی در پیروی از ساختارهای تجویزی یعنی ارجاع مستقیم به آیات یا ترجمه آن‌ها را داشته‌اند؛ در حالی که آن‌ها ساختارهای توصیفی نظیر تغییر در الگوی معیار را در ۷۷۸ مورد (۶۰/۵۹ درصد)، و رعایت الگوی معیار را در ۳۹۲ مورد (۳۰/۵۳ درصد)، و انحراف از الگوی معیار را در ۱۱۴ مورد (۸/۸۸ درصد) به کار برده‌اند. ساختار آماری در کاربرد تلمیح توسط قضات در تغییر الگوی معیار ۷۴ درصد و در الگوی معیار ۱۱ درصد بوده که تقریباً از آمار مورد انتظار کمتر است؛ البته ۱۶ درصد از الگوی معیار انحراف دارد که ۱۱ درصد بیشتر از حد انتظار در تطابق با معیار مک‌منامین است. در نتیجه در ۲ مورد قضات از الگوی معیار فاصله گرفته‌اند. این ۲ مورد تغییر در الگوی معیار ساختار توصیفی و انحراف از ساختار آماری است.

جدول ۳. بسامد کاربرد آرایه تلمیح در گفتمان مذهبی متهمان با اقتباس از نظریه مک‌منامین

نوع الگوها	درصد الگوی معیار در گفتمان مذهبی	درصد تغییر در الگوی معیار معادل فارسی گفتمان مذهبی	درصد انحراف از الگوی معیار تلمیح غیر مصطلح در محیط دادگاه
ساختارهای زبان شناسی			
تجویزی	۴۵ (۷/۶۳ درصد)	۲۳۴ (۳۹/۶۶ درصد)	۳۱۱ (۵۲/۷۱ درصد)
توصیفی (تنوع زبانی مثلاً استفاده از حدیث و استفاده نکردن از آیات قرآن)	۶۱ (۹/۱۵ درصد)	۲۴۸ (۳۷/۱۸ درصد)	۳۵۸ (۵۳/۶۷ درصد)
آماری درصد مورد انتظار (در موقعیت دادگاه) در مقایسه با درصد مشاهده شده	۱۰ درصد مشاهده شده ۱۵ درصد مورد انتظار	۶۱ درصد مشاهده شده ۸۰ درصد مورد انتظار	۲۹ درصد مشاهده شده ۵ درصد مورد انتظار

جدول ۳ نشان می‌دهد که متهمان ساختار تجویزی در الگوی معیار را در ۴۵ مورد (۷/۶۲ درصد)، تغییر در الگوی معیار را در ۳۱۱ مورد (۵۲/۷۱ درصد)، و انحراف از الگوی معیار را در ۲۳۴ مورد (۳۹/۶۶ درصد) به کار برده‌اند. به عبارت دیگر متهمان بیشتر از قضات تغییر و انحراف از الگوی معیار را در کاربرد تلمیح داشته‌اند. در عملکرد ساختار توصیفی متهمان بسامد ۶۱ (۹/۱۵ درصد) را در رعایت الگوی معیار، و ۲۴۸ (۳۷/۱۸ درصد) را در تغییر در الگوی معیار، و ۳۵۸ (۵۳/۶۷ درصد) را در انحراف از الگوی معیار داشته‌اند. در بسامد ساختار آماری الگوی معیار ۱۰ درصد بود که ۵ درصد پایین‌تر از حد انتظار است. تغییر در الگوی معیار از لحاظ آماری ۶۱ درصد بود که از حد انتظار ۱۹ درصد پایین‌تر است. انحراف از الگوی معیار ۲۹ درصد بود که ۲۴ درصد بیش از حد انتظار بوده است. به عبارت دیگر متهمان بیش از قضات دچار انحراف و تغییر در ساختارهای تجویزی، توصیفی و آماری در استفاده از تلمیح در اشاره به آیات قرآنی شده‌اند. متهمان بیشتر از قضات از تلمیحات اسطوره‌ای، تاریخی ایرانی، و امثال استفاده کرده‌اند و کمتر حدیث متأثر از قرآن کریم یا آیات الهی را به کار برده‌اند.

۵. بحث

نمونه‌های زیر کاربرد صنعت تلمیح در گفتمان قضات را با تأثیرپذیری از ساختارهای تجویزی، توصیفی و آماری در ارتباط با الگوهای معیار، تغییر و انحراف در بیان تلمیح مذهبی نشان می‌دهد.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش درمورد بسامد کاربرد تلمیحات مذهبی در ساختارهای تجویزی، توصیفی و آماری در گفتمان قضات و متهمان باید اذعان داشت که نتایج بررسی نشان داد که متهمان بیش از قضات تغییر و انحراف در کاربرد تلمیحات داشته‌اند، ولی قضات از تلمیحات قرآنی و حدیث بیشتر از متهمان در زبان معیار استفاده کرده‌اند. نمونه‌هایی از تلمیحات مذهبی که در این پژوهش الگوی معیار در ساختار تجویزی‌ست در ادامه می‌آید:

۱. قاضی در مقابل متهم به سرقت که از خانواده‌ای سرشناس و پدری متقی بوده است تلمیح با ساختار تجویزی و الگوی معیار می‌آورد و می‌گوید: «حق فرزندی را بجا نیاوردی» که اشاره به آیه ۷۴ سوره فرقان است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا: و آنان هستند که گویند پروردگارا، ما را زنان و فرزندان رحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشند، و ما را (سر خیل پاکان و) پیشوای اهل تقوا قرار ده».

۲. قاضی در مقابل متهمی که با همدستی دوست شوهرش در قتل همسر شریک بوده است از تلمیح با ساختار تجویزی و الگوی معیار استفاده می‌کند و بیان می‌دارد: «شیطان کر و کورت کرده» که اشاره به آیه ۱۶ سوره بقره است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ: آنان کسانی هستند که هدایت را به گمراهی فروخته‌اند و (این) تجارت به آن‌ها سودی نداده و هدایت نیافته‌اند».

۳. قاضی در مقابل سارق مسلح که نگهبان بانک را به قتل رسانده و با وجوه نقد گریخته بود، تلمیح با ساختار تجویزی و الگوی تغییر در معیار به کار می‌برد و بیان می‌کند: «آنچه که برای آن زحمت نکشیدی برایت نمی‌ماند» که تلمیح به آیه ۳۹ سوره نجم است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى: و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست».

۴. قاضی در مقابل کلاهبرداری که کارت بانکی افراد را تعویض و حساب آن‌ها را خالی می‌کرد از تلمیح با ساختار تجویزی و الگوی انحراف معیار استفاده می‌کند: «فکر کردی گیر نمی‌افتی؟ فعلاً که تو هچل گیر کردی». تلمیح به آیه ۱۴ سوره فجر دارد: «إِنَّ رَبَّكَ لَبَلِ الْمِرْصَادِ: به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است».

۵. قاضی در مقابل زورگیر از تلمیح با ساختار توصیفی و الگوی معیار از حدیث امیرالمؤمنین علی^(ع) استفاده می‌کند: «أَعْظَمُ الْخَطِيَاةِ اقْتِطَاعُ مَالِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقٍّ: عظیم‌ترین گناهان، خوردن به ناحق و تجاوز به مال یک مسلمان است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۷) که اشاره به آیه ۱۶۱ سوره نسا دارد: «وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا: و هم از آن رو که اموال مردم را به باطل می‌خوردند و برای کافران آن‌ها عذابی دردناک مهیا است».

۶. قاضی در مقابل سارق مسلح از تلمیحی با ساختار توصیفی و الگوی تغییر استفاده می‌کند و می‌پرسد: «چرا مال مردم را به ناحق می‌خوری؟» که اشاره به آیه فوق (آیه ۱۶۱ سوره نسا) دارد.

در تلمیح‌پردازی قضات توجه ویژه‌ای به اساطیر دینی و شخصیت‌های مذهبی خصوصاً پیامبران و امامان معصوم^(ع) دارند. اشاره به تلمیحات تاریخی معاصر یا قدیم نیز در اظهارات قضات دیده می‌شود. در ادامه نمونه‌هایی ذکر می‌شود: «انقلاب نشان داد که ستمگر نابود شدنی است»؛ «افراد سرشناس زیادی در این انقلاب نقش دارن»؛ «حماسه مقاومت ایران در مقابل دشمن بعثی از یادها نمی‌رود»؛ «شما از کورش چه می‌دانید؟»؛ «آقایان، حضار محترم که قیام مسلمان‌ها رو در طول تاریخ می‌خونید علیه حکومت‌های جبار خصوصاً قیام شیعه. در طول تاریخ همیشه شیعه به دستگاه جبار دهن کجی می‌کرده»؛ «من امید دارم که به احترام خون شهیدان پاک و مقدس اسلام، ایشون اون‌طور که باید مجازات خواهد شد»؛ «اگر صحنه قیامت اونجا مهیا بشه، شکنجه‌گرای عالم رو بیارن، واقعاً امت مرحوم شیعه در این قرن اخیر سرافکنده می‌شوند».

در برخی موارد قضات به‌منظور تأثیرگذاری بیشتر کلام از جملاتی استفاده می‌کردند که اشاره به ویژگی‌های ثبوتیه خداوند، آیات قرآن کریم و نیز نقش مؤثر شهدا در انقلاب اسلامی ایران داشت.

در برخی موارد از ضرب‌المثل‌ها استفاده شده که در حیطه ساختار توصیفی‌ست. این امثال و حکایات تلمیحی هستند که ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم مردم دارند و برای همه قابل قبول هستند. از این‌رو، قضات در وهله دوم با بسامدی پایین‌تر از احادیث و امثال استفاده کرده‌اند. مثال‌های از این دست از *امثال و حکم دهخدا* (۱۳۶۳: ج ۱) آورده می‌شود:

۱. «آنچه جوان در آینه می‌بیند، پیر در خشت خام می‌بیند.» افراد سال‌خورده امکان آموختن و آزموده‌شدن را بیشتر از جوانان داشته‌اند ولی جوانان بی‌اطلاع می‌خواهند به راحتی به چیزی دست پیدا کنند و به نادرست آن را انجام می‌دهند.
۲. «آدم می‌تونه روزه شک‌دار بگیره؟» آیا انسان می‌تواند کاری را انجام دهد که به

نتیجه آن مطمئن نیست و احتمال شکست و زیان در آن زیاد است؟

۳. پیامبر (ص): «حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» حرمت مال یک مسلمان همچون حرمت خون و جان اوست (مراعات آن بر همه واجب است) (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۵۱۰/۲). در این گونه مؤلفه‌های زبانی همچون ضرب‌المثل‌ها، همان سطوح زبانی و بافت متنی پیام هستند که تا اندازه‌ای به فهم معنی کمک می‌کنند، ولی درک و فهم صحیح معنی به بافت زبانی و آگاهی از بافت موقعیتی و فرهنگی نیاز دارد. تعامل زبانی^۱ از مظاهر مهم شکوفایی ساختارهای اجتماعی، دینی و فرهنگی هر جامعه است و بدون آن برقراری ارتباط دینی میسر نخواهد شد. دین و باورهای مذهبی از پدیده‌های انسانی هستند که به زبان نیاز دارند، زیرا ارتباط دینی و فرهنگی در تعاملات، نوعی ایجاد و ارسال مفاهیم معنوی است.

انحراف از الگوی معیار در میان قضات با ۱۱ درصد چشمگیر بود که نشان از درگیری با متهمان و گاه خروج از بافت دادگاه است، ولی در رعایت و تغییر در الگوی آماری درصد چشمگیری مشاهده نشد.

متهمان که عضوی از اجتماع (چه سطح بالا و چه سطح پایین) هستند، بیشتر سعی می‌کنند از هنجار زبانی‌ای پیروی کنند که در جامعه عرف است؛ آن‌ها انحراف را ترجیح می‌دهند. آن‌ها در محیط دادگاه کیفی گاه احترام به قضات، هیئت منصفه، و وکلارا به ورطه فراموشی می‌سپارند و با کاربرد جملات نادرست، رفتار زبانی خود را زیر سؤال می‌برند. در گفتار برخی متهمان به هنگام کاربرد ضرب‌المثل، تابوهای زبانی مشاهده گردید که کاربرد آن‌ها در میان گویشوران تحت تأثیر عوامل جامعه‌شناختی است و بخشی از زبان آن‌ها را تشکیل می‌دهد. در جریان دادرسی مشاهده شد که متهمان در اکثر موارد با انحراف از جملات معیار موجب عدم تأثیر کلام در مخاطبان می‌گردند. نمونه‌هایی از اظهارات متهمان در چهارچوب نظری مک‌منامین آورده می‌شود:

۱. در پاسخ پرخاش شاکی به متهم: «الله اکبر» یا «لا اله الا الله» (ساختار تجویزی،

الگوی معیار، تلمیح قرآنی).

۲. در پاسخ به قاضی که چرا سرقت کردی؟ «شیطان گولم زد». (ساختار تجویزی، الگوی تغییر در معیار و تلمیح مذهبی است که اشاره به آیه ۶۰ سوره یس دارد: «الْمُ أَعْهَدُ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ: ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را پرستید زیرا وی دشمن آشکار شما است»).

۳. در پاسخ به قاضی که چرا با همدستی فلانی در قتل شریک شدی؟ «مثل سنگ پشیمانم» (ساختار تجویزی، الگوی انحراف از معیار، تلمیح به کلام عامیانه و سخنان مردم کوچه و بازار دارد).

۴. در پاسخ به قاضی که چرا قتل ناموسی انجام دادی؟ «من در میان مردم مثل رستم برو و بیا داشتم و نمی‌تونستم زیر بار این ننگ برم». (ساختار توصیفی، الگوی معیار، تلمیح اسطوره‌ای که اشاره به قهرمان شاهنامه دارد).

۵. در جواب متهم دیگر که تقصیر را گردن وی انداخته است؛ «من نه سر پیاز بودم نه ته پیاز» (ساختار توصیفی، الگوی تغییر در الگوی معیار، تلمیح به ضرب‌المثل دارد به جای کاربرد جمله ساده و معیار «من در این قضیه مشارکت نداشتم»).

۶. متهم در پاسخ به دادگاه که چرا همسر خود را به قتل رساندی؟ «به جهنم». (ساختار توصیفی، الگوی انحراف در معیار، تلمیح کوچه‌بازاری با بسامد کم در سخنان عامیانه).

ساختار آماری در کاربرد تلمیح توسط متهمان در الگوی معیار ۱۰ درصد بود که تقریباً ۵ درصد کمتر از معیار مک‌منامین است. این نشان می‌دهد که متهمان کمتر از قضات از الگوی معیار استفاده کرده‌اند. تغییر الگوی معیار ۶۱ درصد بوده که از آمار مورد انتظار کمتر است ولی چشمگیر نیست. انحراف از الگوی معیار ۲۹ درصد است که ۲۴ درصد بیشتر از حد انتظار است. این نتیجه نشان می‌دهد که متهمان از تلمیحات مذهبی بسیار فاصله دارند و عمدتاً از تلمیحات اسطوره‌ای، تاریخی، ایرانی، امثال، و عبارات کوچه‌بازاری استفاده می‌کنند. ۲ مورد رعایت الگوی معیار و انحراف از الگوی معیار در ساختار آماری توسط متهمان نقض شده است.

متهمان بیش از قضات تلمیح با ساختارهای توصیفی را در مقایسه با ساختارهای تجویزی به کار برده‌اند. واژگان ممنوع و تابو در هر قوم و فرهنگی وجود دارد. متهمان با آگاهی از بافت فرهنگی و مذهبی جامعه خود و با توجه به اعتقادات و تعصب سعی بر آن دارند تا به واسطه ساختار زبانی خاص، نگاه و ذهنیت قضات و مراجع قضایی را نسبت به خود تغییر دهند و مثبت کنند. در مجموع متهمان بیش از قضات از الگوهای تغییر و انحراف در معیار گفتمان دادگاه استفاده کرده‌اند. قضات بیشتر از متهمان از تلمیحات تاریخی بهره برده‌اند ولی در مجموع بسامد اندکی داشته است.

قضات استفاده زیادی از ساختار تجویزی پذیرفته شده در جامعه دارند تا تغییر و انحراف از آن؛ و این ممکن است به دلیل مقام اجتماعی قضات باشد که خود را پایبند به پیروی از این نوع ساختار می‌دانند. در واقع، ساختار تجویزی را با ساختار دستوری صحیح و معیار باید در گفتار و نوشتار رعایت کرد. الگوی تغییر در ساختار تجویزی پذیرفته شده در جامعه، زبانی محاوره‌ای و غیراستاندارد است که فقط در گفتار کاربرد دارد. انحراف از آن بسامد کمی در جامعه دارد و ممکن است استفاده فردی یا گروهی داشته باشد. ساختار آماری این انحراف در چارچوب نظری مک‌منامین ۵ درصد است که نشان می‌دهد بسامد و استفاده بسیار کمی در محیط دادگاه دارد؛ ولی در پژوهش اخیر مشاهده گردید قضات و متهمان بیش از این ۵ درصد در محیط دادگاه انحراف از الگوی معیار داشته‌اند. این انحراف در متهمان تقریباً دو برابر قضات بوده است.

به‌طور کلی، ساختار گفتمانی برای قضات که به لحاظ جایگاه اجتماعی در سطح بالاتری از متهمان قرار دارند، بیشتر به چشم می‌خورد. آن‌ها سعی می‌کنند به زبان رسمی و استاندارد که بیشتر زبان افراد تحصیل کرده می‌باشد، سخن بگویند. با توجه به بافت موقعیتی دادگاه، قضات از جملات و پاره‌گفتارهایی استفاده می‌کنند که مختص به زمان و مکان مورد نظر است و گفتمان خود را در خصوص محیطی که در آن قرار دارند، مطرح می‌کنند. قضات به عنوان رئیس جلسه در دادگاه بافت موقعیتی را به شدت تحت کنترل دارند و تلاش می‌کنند خارج از بافت موقعیتی سخن نگویند؛ ولی این امر همیشه صادق نیست. آن‌ها در ساختار تجویزی و توصیفی حدود ۴ درصد انحراف داشته‌اند که در مقایسه

با متهمان با ۲۴ درصد انحراف از الگوی معیار، ناچیز می‌نماید. رعایت یا انحراف کم از ساختارهای تجویزی و توصیفی توسط قضات می‌تواند به دلیل جایگاه اجتماعی آنها باشد که نمی‌خواهند با استفاده از جملات نادرست و ناشایست، موقعیت اجتماعی خود را زیر سؤال ببرند. متهمان، هنجارهای زبانی مورد قبول اجتماع را بیشتر از هنجارهای زبانی و بافت موقعیتی دادگاه مد‌نظر داشته‌اند. در گفتمان قضات، ساختارهای تجویزی و توصیفی اهمیت خاصی دارد. آنها مناسب با محیط دادگاه هنجار زبانی، تغییر و انحراف از آن را در تعاملات حقوقی در جلسات دادگاه به کار می‌گیرند تا تأثیر گفتمانی خود را بر متهمان، آشکاری حقیقت، و اثبات جرم داشته باشند.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش درباره تفاوت میزان بسامد به کارگیری تلمیح با استفاده از الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری در گفتمان قضات و متهمان، نتایج نشان داد که قضات و متهمان بنا به اعتقادات، گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و عادت‌های زندگی اجتماعی خود از تلمیحات استفاده کرده‌اند و زندگی خود و دیگران را با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی حاکم بر زندگی، گروه و جامعه تطبیق می‌دهند. آنها با پیروی از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، هویت اجتماعی کسب می‌کنند و نوع رفتار کلامی خود را متناسب با عرف اجتماع برمی‌گزینند. هر گفتاری باید با رفتار مناسب خود باشد تا خود را اثبات کند. رفتار انسان صحت و نادرستی سخنان او را نمایان خواهد کرد. عوامل شکل‌دهنده نگرش افراد مختلف‌اند و تحت تأثیر نظام شناختی فرد، باورها و ارزش‌های او قرار دارند. زیرپانهادن هنجارهای قانونی، عرفی، اخلاقی و اجتماعی موجب تردید، اضطراب و حس ناامنی در روابط و تعاملات فردی و اجتماعی می‌شود. ساختارهای تجویزی، چگونگی روابط اجتماعی و رفتارهای کلامی را معین می‌کنند. نابهنجاری گفتمانی در متهمان به گونه‌ای است که هنجار تجویزی و توصیفی را به کار نمی‌برند تا از خود رفع اتهام کنند و جرم صورت گرفته را فقط یک اشتباه کوچک جلوه دهند. سوءرفتار اجتماعی آنها به حدی است که گفتمان آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. شناخت ساختارهای تجویزی و توصیفی در شناسایی نوع گفتمان و موقعیت فردی، اجتماعی و قانونی قاضی و متهم بسیار مؤثر است. قضات باید مهارت ارتباطی و تسلط

کلامی بالایی داشته باشند تا در ارتباطات کلامی خود در محیط دادگاه، مرزهای ارتباطی خود با دیگران را حفظ کنند و محدوده قلمرو ارتباطی شان را تعیین نمایند. در نهایت مشخص گردید که بیشتر تلمیحات مورد استفاده در گفتمان قرآنی دادگاه متأثر از دین، مذهب، ارتباطات فرهنگی میان اقوام و ملل مختلف، و وقایع اجتماعی و سیاسی است؛ زیرا اندیشه و کنش افراد از ابزار ارتباطی آن‌ها جدا نیست و رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، جهت‌گیری خاصی به نگرش، ذهنیت و رفتارهای کنشگران می‌دهد. بافت فرهنگی- اجتماعی، عاملی است که زبان در قالب آن معنا پیدا می‌کند و ارتباط کلامی و غیر کلامی تا حدود زیادی تحت تأثیر فرهنگ شخص و طبقه اجتماعی اوست.

۶. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که چینش و نظم واژگان در تلمیحات گفتمان مذهبی با عوامل بینامتنی و محیط زبانی در محیط دادگاه پیوند نزدیکی دارد. در متون دینی و قرآنی، کاربرد آرایه‌های ادبی نظیر تلمیح برای تفهیم و انتقال معنی تأثیرگذار است. زبان با هویت فرهنگی و دینی یک قوم ارتباط مشترک دارد و هر قوم برای داشتن هویت فرهنگی و دینی در جامعه، مؤلفه‌های انسانی مشترکی دارد. صنعت تلمیح، مؤلفه‌ای غیرزبانی حاوی معانی ضمنی و غرض اصلی کلام است که متناسب با گوینده، شنونده، هدف، زمان و مکان قابل تغییر است. قضات و متهمان از آرایه ادبی تلمیح به‌عنوان سرنخ بافتی^۱ (واژگانی، دستوری یا فرازبانی) و اطلاعاتی که محیط پیرامون یک واحد زبانی درون یک متن را به دست می‌دهد، برای درک موضوع بهره می‌گیرند، زیرا بدون اینکه به ساختار زبانی قرآن خلل وارد کند، زیبایی می‌آفریند. در واقع اشاره به آیات قرآنی در قالب امثال، حکایات، احادیث، نکات تاریخی، و اخلاقی صورت می‌گیرد. قضات و متهمان با استفاده از این نوع گفتمان به توصیف مطالب و القای معنای ثانوی و مضمون نهفته در آیات

1. contextual clues

می‌پردازند و این امر توجه مخاطب را برمی‌انگیزد. استفاده از تلمیح مذهبی در گفتار، افکار مذهبی و باورهای دینی را در گفتمان پرننگ می‌نماید.

کلام قرآن بسیار هنرمندانه و حکیمانه ساخته و پرداخته شده است، ظرافت‌ها و لطافت‌های ادبی و گفتمانی فراوانی در آن به کار رفته که مردم را به تأمل در کلام خدا و می‌دارد. بافت غیرزبانی در تبیین مسائل دینی، اجتماعی در گزینش سبک‌های مختلف قرآن تأثیرگذار است. گفتنی‌ست تغییر رو ساخت‌ها در تحول معنایی ساختارهای زبانی قرآن نقش به‌سزایی دارد. جملات قرآن کریم مانند یک زنجیره کلامی عمل می‌کنند؛ بدین معنی که کنار هم قرار گرفتن واژگان خاص، معنایی ویژه به همراه دارد که باید به آن توجه داشت.

بهره‌گیری گوینده از گفتمان مناسب در موقعیت داد‌گاه، و رعایت الگوهای تجویزی، توصیفی و آماری در گفتمان به منظور ایجاد تأثیر در شنونده است. هر تعامل زبانی ضرورتاً یک تعامل اجتماعی است. قبل از اینکه یک تعامل زبانی اعم از گفتاری یا نوشتاری شکل گیرد، عوامل بیرونی در چگونگی شکل‌گیری آن تأثیرگذارند. یکی از این عوامل بیرونی، مفهوم بافت و ساختار کلام است که می‌تواند بر مبنای شرایط مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی افراد یا گروه‌ها در اجتماع تعیین شود.

زبان را از عناصر مهم فرهنگ است که موجب تعامل اجتماعی و تداوم فرهنگ می‌گردد. ساختار کلام و ارتباطات زبانی دو مقوله کاملاً مرتبط هستند. نوع ساختار کلامی، اطلاعات دقیقی از فردیت، عقیده، ذهنیت، احساسات، عواطف و باورهای فرد را در به کارگیری تلمیح ارائه می‌دهد. توجه به عوامل مؤثر در کارگرفت تلمیحات، در حفظ و تقویت روابط انسانی و ارتباطات اجتماعی اهمیت دارد. از طریق مهارت‌های ارتباطی و رعایت اصول و قواعد بیان تلمیح در داد‌گاه می‌توان تعاملات اجتماعی را به گونه‌ای پیش برد که باعث بروز رفتارهای مثبت، و پرهیز از واکنش‌های منفی در طرف مقابل گردد. با شناخت ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماعی، عناصر فرهنگی، جنبه‌های روان‌شناختی

و نظم و مقررات اجتماعی می‌توان راهبردهای ارتباطی را بهبود بخشید. ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها، ناخودآگاه در جریان گفتمان به وجود می‌آیند و کنشگران در زندگی روزمره آن‌ها را تجربه می‌کنند. یکی از جنبه‌های بسیار مهم در فرهنگ جامعه، نحوه انتقال مفاهیم دینی به مخاطبان است که شناخت شیوه‌های مؤثر ارتباطی را با اثربخشی بالا انتقال دهد. هر یک از افراد می‌تواند در گفتمان خود از تلمیحات قرآنی و دینی استفاده کند تا بر گفتمان دادگاه اثر گذارد. تلمیحات مؤثر در اعمال، رفتار و گفتار افراد شکل خاصی به خود می‌گیرد و آنچه گفتمان را می‌سازد و موجب فهم آن می‌شود، ساختارهای زبانی و رعایت الگوهای معیار است.

ساختارهای زبانی همچون ساختار آوایی، واژگانی، صرفی، نحوی و بلاغی در واکاوی معانی پنهان متن اهمیت ویژه‌ای دارند، هرچند این مقولات در ارتباط با تلمیحات و تأثیر گفتمانی آن‌ها در دادگاه به تحقیقات گسترده دیگری نیاز دارد. پژوهش‌هایی که به ویژگی‌های بافت اجتماعی گوینده/نویسنده و شنونده/خواننده مانند جنسیت، سن، سطح تحصیلات، دین و مذهب، اعتقادات، هویت محلی و منطقه‌ای، محیط جغرافیایی، جامعه گفتاری حاکم بر منطقه، سبک زبانی و هنجارهای فرهنگی و تأثیر آن‌ها در ساخت تلمیحات پردازد. هم‌چنین عوامل برون‌زبانی مانند شرایط زمانی و مکانی مرتبط با تلمیحات مذهبی یا ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی در ساخت معنا، انتقال و تغییر آن‌ها باید در مطالعاتی دیگر بررسی گردد. باور و شناخت قضات و متهمان در نحوه استفاده آن‌ها از تلمیحات مذهبی به تحقیق بیشتری نیاز دارد زیرا با توجه به تأثیر شبکه‌ای مفاهیم مذهبی با یکدیگر و تأثیر آن‌ها در گفتمان دادگاه، نمی‌توان به پژوهشی جامع در این مقال اندک بسنده نمود.

نتایج این تحقیق از نظر مبانی نظری بستری را آماده می‌کند که در آن به شناخت تلمیحات از نظر ساختار زبان‌شناسی و الگوهای معیار، تغییر و انحراف کمک می‌نماید. این مبانی نظری در مطالعه تلمیحات در تجزیه و تحلیل مکالمات در بافت‌های دیگر نظیر



مناظره‌ها، میزگردها، سخنرانی‌ها، و مذاکرات ممکن است کارساز باشد. کاربرد عملی این پژوهش در استفاده از مقیاسی است که برای سنجش نوع تلمیح و ساختار یا الگوی آن استفاده شده است. این مقیاس که با اقتباس از چارچوب نظری مک‌منامین در تجزیه و تحلیل گفتمان دادگاه صورت گرفت به محققان کمک می‌نماید تا به اندازه‌گیری نوع ساختار و سبک کلام بپردازند و معیار یا عدم معیار بودن کلام را تا اندازه‌ای مشخص نمایند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Farangis Abbās-zādeh
Bahman Gorjiān

 <http://orcid.org/0009-0009-7432-196X>
 <http://orcid.org/0000-0003-4932-5028>

منابع

- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۱۶ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین قم، نشر الاسلامی.
- اعلاء، محسن. (۱۳۸۹). «کندوکاوی در آرایه تلمیح». *رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی*، س ۲۱ ش ۲ (پیاپی ۹۶): ۵۸ - ۶۴.
- بهنام‌فر، محمد و طلایی، زینب. (۱۳۹۴). «ترکیبات تصویری تلمیحی ملهم از آیات، احادیث و اساطیر در قصاید خاقانی». *مطالعات زبانی بلاغی*، س ۵ ش ۹: ۷۹ - ۱۰۸.
- تقوی، نصرالله. (۱۳۶۳). *هنجارگفتار در فن معانی و بیان و بدیع فارسی*. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.
- حسینی، عطاءالله محمود. (۱۳۸۴). *بدایع الصنایع*. مقدمه و تصحیح از رحیم مسلمانیان قبادیانی. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- داد، سیما. (۱۳۸۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و*

- اروپائی (تطبیقی و توضیحی). ویراست ۳. تهران: مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. تهران: امیرکبیر، ۴ ج.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). *فرهنگ تلمیحات*. تهران: فردوس.
- شوشتری، مرضیه. (۱۳۹۳). «بررسی خلاقیت تربیتی مولانا در تفسیر عرفانی قصه قرآنی حضرت نوح (ع)». *روانشناسی تربیتی*، س ۱۰، ش ۱ (پیاپی ۳۱): ۱۲۵-۱۶۴.
- طباطبائی، سیدمحسن. (۱۳۹۴). «تلمیحات قرآنی در خطبه اول نهج البلاغه». *پژوهشنامه معارف قرآنی*، س ۶، ش ۴ (پیاپی ۲۳): ۱۱۳-۱۳۷.
- قانونی، حمیدرضا و غلامحسینی، پروین. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل تلمیح و انواع آن در بوستان سعدی». *علوم ادبی*، س ۸، ش ۱۳: ۱۰۹-۱۳۳.
- قضاعی، محمدبن سلامه. (۱۳۸۳). *شهاب الاخبار*. قم: دارالحدیث.
- عباس‌زاده، فرنگیس، گرجیان، بهمن و ویسی، الخاص. (۱۳۹۹). «تحلیل نشانگرهای کلامی و سبکی در گفتمان حقوقی دادگاه‌های انقلاب». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، س ۵، ش ۲ (پیاپی ۱۰): ۲۳۱-۲۴۴.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۶). *میزان الحکمه (با ترجمه فارسی)*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- نیل‌ساز، نصرت و اهوراکی، سمیه. (۱۳۹۲). «نگاهی ادبی به استشهدات غیرمستقیم ائمه به قرآن». *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، س ۱، ش ۲: ۲۹-۵۰.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۳). *بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی*. تهران: سمت.

References

- A'alā', Mohsen. (1389/2010). "Kand va kāvi dar ārāyeh-e talmih" [An Investigation of Allusion]. *Roshd-e Āmūzesh-e Zabān va Adabiyāt-e Fārsi*, v. 21, n. 2(96): 58-64. [In Persian]
- Abbāsẓādeh, Farangis, Gorjiān, Bahman, & Vaysi, Alkhās. (1399/2020). "Tahlil-e neshāngarhāy-e kalāmi va sabki dar goftemān-e hoqoqi-ye dādgāhāy-e Enqelāb" [An Analysis of Linguistic and Stylistic Discourse Markers in Revolutionary Courts Legal Discourse]. *Zabān-e Fārsi va Guyeshhāy-e Irāni*, v. 5, n. 2(10): 231-244. [In Persian]
- Behnāmfar, Mohammad, & Talā'i, Zaynab. (1394/2015). "Tarkibāt-e tasviriy-e talmih-ye molhem az āyāt, ahādith, va asātir dar qasā'ed-e

- khāqāni” [Imaginative Allusive Expressions Inspired by Quranic Verses, Hadith, and Myths in Khāqāni’s Odes]. *Motāle ‘āt-e Zabāniy-e Balāghi*, v.5, n. 9: 79-108. [In Persian]
- Dād, Simā. (1385/2006). *Farhang-e estelāhāt-e adabi: Vājehnāmeḥ-ye mafāhim va estelāhāt-e adabi-ye fārsi va Orupā’i* [A Dictionary of Literary Terms (3rd Ed.)]. Tehran: Morvārid. [In Persian]
- Dehkhodā, ‘Aliakbar (1363/1984). *Amthāl va Hekam* [Proverbs], 4 vols. Tehran: Amir Kabir,
- Fabb, Nigel. (1997). *Linguistics and Literature*. Oxford: Blackwell.
- Ghānuni, Hmidreza, & Gholāmhosayni, Parvin (1397/2018). “Barrasi va tahlil-e talmih va anvā’-e ān dar Bustān-e Sa’di” [An Analysis of Allusions and their Different Kinds in Sadi’s Bustān]. *‘Olum-e Adabi*, v. 8, n. 13: 109-133. [In Persian]
- Hosayni, ‘Atāollāh Mahmud (1384/2005). *Badāye ‘al-Sanāye*. Edited with an Introduction by Rahim Mosalmāniān Qobādiāni. Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Afshār. [In Persian]
- Ibn Sho‘bah Harrāni, Hasan b. ‘Ali (1416 AH/1995). *Tohaf al-‘oqul’an āl al-rasul*. Edited by ‘Aliakbar Ghaffāri. Qom: Jāme‘eh Modarresin-e Qom, Nashr-e Eslāmi. [In Persian]
- McMenamin, Gerlad R. (2002). *Forensic linguistics: Advances in forensic stylistics*. London & USA: CRC Press.
- Mohammadi Rayshahri, Mohammad. (1386/2007). *Mizān al-hekmeh*. Trans. Hamidreza Shaykhi. Qom: Dār al-Hadith. [In Persian]
- Nilsāz, Nosrat, & Ahvāraki, Somayyeh (1392/2013). “Negāhi adabi be esteshhādāt-e ghayr-e mostaqim-e a’emeh be Qor’ān” [A Literary Approach to Imam’s Allusions to the Quran]. *Pajuheshhāy-e Adabi-ye Qur’ān*, v. 1, n. 2: 29-50. [In Persian]
- Qozā’i, Mohammad b. Salāmah (1383/2004). *Shehāb al-Akhhār*. Qom: Dār al-Hadith. [In Persian]
- Shamisā, Sirus. (1375/1996). *Farhang-e talmihāt* [A Dictionary of Allusions]. Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Shamsābādi, Hossayn, & Mowlavi Nāfchi, Asghar. (1391/2012). “Zabānshenāsi-ye mafhum-e matn dar Qor’ān-e Karim” [The Linguistics of Textual Meaning in the Glorious Quran], *Motāle ‘āt-e Adabi-ye Motun-e Eslāmi*, v. 1, n. 1: 59-69. [In Persian]
- Shushtari, Marziyeh. (1393/2014). “Barrasi-ye khalāqiyyat-e tarbiyati-ye Mowlānā dar tafsir-e erfāni-ye qeseh-ye Qor’āni-ye hazrat-e Nuh” [An Investigation of Mowlānā’s Educational Creativity in Mystical Interpretation of Noah’s Story in the Quran]. *Ravānshenāsi-ye Tarbiyāti*, v. 10, n. 1(31): 125-164. [In Persian]

- Tabātabā'i, Seyyed Mohsen. (1394/2016). "Talmihāt-e Qor'āni dar khotbeh-ye avval-e Nahj al-Balāghah" [Quranic Allusions in the First Sermon of Nahj al-Balāghah], *Pajuheshnāmeḥ-ye Ma'āref-e Qor'āni*, v. 6, n. 4(23): 113-137. [In Persian]
- Taqavi, Nasrollāh. (1363/1984). *Hanjār-e goftār dar fann-e ma'āni va bayān va badi'-e fārsi* [Discursive Norms in Persian Figurative Language]. Esfehān: Farhangsārāye Esfehān. [In Persian]
- Vahidiyān Kāmyār, Taqi. (1383/2004). *Badi' az didgāh-e zibāshenāsi* [An Aesthetic Perspective on Figures of Speech]. Tehran: SAMT. [In Persian]

استناد به این مقاله: عباس‌زاده، فرنگیس، گرجیان، بهمن. (۱۴۰۲). تحلیل تلمیحات مذهبی در گفتمان دادگاه از

دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی. پژوهش‌نامه زبان ادبی، ۱ (۴)، ۱۲۱ - ۱۴۸. doi:

10.22054/JRLL.2024.76076.1054



Literary Language Research Journalis licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.